

کمال آتاترک

ترجمه از مجله الهلال

یکی از استادان مصر (محمد محمد توفیق) کتابی در شرح حال نابغه عظیم کمال آتاترک تألیف نمود که در تمام کشورهای خاور سرعت منتشر و در ایران هم بفارسی ترجمه شده و مورد حسن استقبال مردم واقع گردید اینک مؤلف قسمتی از زندگانی آتاترک را که تا کنون منتشر نشده برای خوانندگان بیان مینماید :



زندگی کمال آتاترک مثال بارزی ازدلاوری و فداکاری بود و سیاست ملی او برای نجات دادن ترکیه و قرار دادن آن در جرگه دول بزرگ نیرومند از بزرگترین و بالاترین سیاستهای مردان نامی روزگار بشمار میرود .
یگانه چیزیکه ظاهر بینان بر او ایراد میکردند موضوع دیانت بود که میخواستند نهضت بزرگ مقدس ترک با دیانت توأم باشد ولی این گروه ظاهر دین نمیدانستند که ترکیه جوان از سابق بهتر پابند مذهب میباشد و کسیکه از جمود و تعصب خالی باشد این موضوع را بخوبی احساس مینماید .

بسیار آشکارست که الغای خلافت ترکیه کمترین ارتباطی با خروج از مذهب ندارد و هیچ بهانه بدست جامدان نخواهد داد، آن شعله مقدسی که در هنگام جنگ از ترکیه دیده میشود و لفظ مبارک الله را بر زبان میرانند بزرگترین دلیل دیانت میباشد، مساجدیکه افراد توده ازبیر و جوان شب و روز آنرا بعبادت عمارت میکنند و نویسندگان کنجکاو این ترتیب را بچشم خود دیده و درباره آن کتابها نوشته اند شاهد مسلمانی ملت عبور ترک است . البته نماز ملت یا خرد نیرومند تاثیرش عمیقتر و رساتر از نماز ملت

یا خرد خوار و ذلیل می باشد .

محروم نمودن اشخاص نااهلی که دیانت را دستاویز مقاصد سوء قرار میدهند از شعار و لباس دینی و محترم داشتن لباس و شعار مذهبی و تخصیص دادن آن بکسانی که اهل وسزوار آنند دلیل دیانت است . پیراستن دیانت از خرافات و آلودگیهایی که صاحب شریعت از آن بیزارست شاهد دیانت می باشد .

منحصر نمودن تعلیمات دینی بدست گروهی از روشن فکران که روح جمود و کسالت را از توده بیرون کرده شهامت و عزت و نیرومندی را بآنان تلقین نمایند عین دیانت است . دور کردن شیادی که دین را بهانه ارتزاق کرده و تنبلیها و بیکارههایی که در مساجد و خانقاهها شب و روز پلاس شده سودی از طرف آنان بمسلمانان عائد نمیگردد مطابق تعالیم دیانت است . اینها چیزهاییست که مصلحین بزرگ خاور عموماً بدان معتقد و توده را بوسیله آن بیدار و راهنمایی میکنند .

ایمان آتاترک

آتاترک بخدا و پیغمبر ایمان داشت . اولین مظاهر ایمان او اعتماد بر نیرو بود و میگفت ملت ضعیف بقا ندارد و بهمین سبب دیانت هم ندارد . شعار ایمان و نیرومندی او دو شمشیر بود که از کشورهای اسلامی برای او ارمنان فرستاده بودند و در وسط آنها قرآن کریم قرار گرفته بود این شمشیرها و مصحف شریف در کتابخانه او که در موقع نوشتن و کار در آنجا بستمیبرد بالای سر او آویخته بود ، این شعار و رمز از بلیقترین معانی ایمان بود زیرا دین و دنیا عبارت از پرستش خدای یگانه و جهاد می باشد و رمز و شعار اسلام و عالم اسلامی هنگامیکه دین در روزگار خلفاء راشدین و ائمه و فاتحین اسلامی عزیز و نیرومند بود جز پرستش و جهاد چیزی دیگر نبود ، این رمز در کتابخانه آتاترک سر مشقی بود که از روی آن کار میکرد و از روی ریا و نفاق آنرا بر بالای

سر خود آویزان نکرده بود .

آتاترک مبادی عزت و نیرومندی را با هم تطبیق میکرد ولی تطبیق قواعد دین برای او بدو جهت فراهم نشد نخست آنکه ملت خود دارای تدین میباشد دوم آنکه او نمیخواست درهنکامیکه دیانت از مجرای حقیقی خود منحرف شده و پرورش جدید در آن راه نیافته بنام مرد دین معروف گردد . او میگفت در عصر طلائی صحابه پیغمبر مردم بعبادت و جهاد و کارهای دولتی و سیاست خالق و کشاورزی و بازرگانی و پیشه و هنر میپرداختند و مانند این دوره های اخیر بدو دسته تقسیم نشده بودند که گروهی را مردمان دین و دسته را اهل دنیا گویند و چنان در اذهان مردم رسوخ کند که مرد دین نباید هنر پیشه یا کشاورزی یا سیاسی یا بازرگان یا سپاهی باشد و انزوا و تظاهر بزهده و مهملی و بیکارگی و حین وضعف نفس از علائم ایمان بشمار رود .

او میخواست ثابت کند که متدین واقعی مرد کار و جنگ و دفاع از وطن است و باید باوضاع جهان بصیرت کامل داشته باشد و برای نیرومندی خود با سایر افراد توده تشریک مساعی و همکاری نماید ،

او خود نمونه حقیقی یک نفر مسلم حقیقی بود که وطن خود را از مصائب و ذلت و خواری نجات داده آنرا در شمار دول بزرگ قرارداد ، او در مواقع جنگ کلمه الله .. الله را بر زبان میراند و پیش میرفت ، او با اصول مسلمة اسلام دست نزد ولی باریا کاران و دجالهای دین که عمامه سبز و سیاه و سرخ و سفید را برای خود وسیله امتیاز و برتری قرار داده بودند و ساده لوحان بیچاره را فریب میدادند دشمن بود .

او بدانشندان حقیقی و اشخاصیکه ازین آلود گیها برکنار بودند بی اندازه احترام میگذاشت ، او برای اینکه در مقابل بیگانگان که برای

خود امتیازاتی قائل بودند سد و حائلی بوجود آورد چند ماده را در قانون اساسی ترکیه جای داد ولی در همان موقع که ماده اول قانون میگوید که دولت ترك علمى است نه دینی مجلس ملی کبیر ترکیه یکی از ترکهارا بعلت اینکه دیانت اسلام را ازدست داده از تبعیت ترکیه اخراج میکند و در همان هنگام که اجازه داده میشود زن مسلمان بیکنفر غیر مسلمان شوهر کند ، می بینیم که این زن اگر بایک بیگانه زناشوئی کند از تبعیت ترکیه اخراج میگردد و هیچوجه بیکنفر زن مسلمان ترکیه اجازه داده نمیشود بایکنفر غیر مسلمان از رعایای ترکیه ازدواج کند و در همان هنگام که آگاهی دولت علمى داده میشود در عهد اضحی از طرف دولت قربانیها مطابق آداب مذهب بعمل میآید و امثال این مطالب که عموم مردم بدان آگاهی دارند و این مبرسانند که برای رهایی مردم از دست نفوذ بیگانگان ناچار بود خلاصه قوانین اروپائی را در قانون اساسی ترکیه بگنجاند تا نتوانند نسبت بآن ایرادی داشته آزادی عمل خود را مطالبه نمایند و همه در برابر دادگاههای ترکیه مطیع و متساوی الحقوق باشند .

اکنون دلیلی از آفتاب روشن تر بر ایمان آتاترك ایراد میکنیم : این نابقه بزرگ بآیات قرآن کریم تداوی میگردد بدین ترتیب که هر گاه بیماری شدید و تب و نوبه سخت گرفتار میشد از تلاوت کلام خدا شفا میطلبید و یکنفر شیخ صاحب دل باوقار (که اسم او را نمیبرم) که آتاترك اغلب او را ملاقات میکرد و بدعوات او تبرک میجست حاضر شده آیاتی از قرآن مجید میخواند و بیماری آتاترك مرتفع میشد .

یکنوبت آتاترك تب و نوبه بسیار شدیدی مبتلا شد که نزدیک بود از اثر آن زندگی را بدرود گوید در آنکارا نیز شیوع یافت که آتاترك در گذشته است در نصف شب همانروز که آتاترك بواسطه بیماری در بستر افتاده بود باطراقیان گفت صاحب دلی را احضار کنند تا آیاتی از قرآن تلاوت کنند و

درد او را در نماید پزشکان متحیر شدند و تصور کردند آتاترک بعزت شدت تب هذیان میگوید ولی او چندین بار خواهش خود را تکرار نمود از قضا آن شیخ در یکی از شهرهای دور از آنکارا اقامت داشت ناچار یک نفر از افسران هواپیمائی را در همان ساعت فرستادند که رفته صاحب دل را با خود بیاورد افسر بسوی شهری که شیخ در آنجا مقیم بود پرواز گرفت تا بمنزل او رسیده او را از خواب بیدار و قضیه را بیان کرد شیخ مهلت خواست که صبح حرکت نماید ولی افسر اجازه نداشت که او را مهلت دهد شیخ که تا آن دم در هوا پیما تنه شده بود با اشکال توانست خود را حاضر کند ولی افسر سهولت مسافرت با هوا پیما را برای او شرح داده او را با خود برداشت پس از آنکه زمانی بر بالین آتاترک حاضر شد و آیاتی از قرآن کریم تلاوت کرد و درباره او دعای شفا و سلامت نمود آتاترک بنبروی ایمان از بستر بیماری بلکه از بستر مرگ برخاست و در فردای همان روز از اقامتگاه خود که بالای تپه (چاقایه) بود با آنکارا رفته بمجلس کبیر ملی وارد شد و با صدای رعد آسای جذاب خویش بیشتر از دو ساعت سخنرانی کرد و نمایندگان را که از حیات او نومید شده بودند غرق دریای تعجب و تحیر نمود .

مطالعات دینی آتاترک

کسانیکه متن سخنرانی آتاترک را در مجلس کبیر ملی ترکیه هنگام الغای سلطنت و خلافت عثمانی بخوانند قطعاً از کثرت اطلاع و وفور احاطه او بر سیره حضرت رسول (ص) و اخلاص و حرارت او در سخنرانی در شگفت خواهند افتاد . آتاترک درین سخنرانی جوهر و روح دیانت اسلامی را با حرارت یک نفر مسلمان قوی ایمان شرح میدهد و از زندگانی پیغمبر اسلام با بیان شیوا و گفتار سحر آسای خود تاریخچه جامعی ایراد میکند و داستان خلافت را در عهد خلفای راشدین با بهترین ادله و شواهد تأیید مینماید سپس بتحویل خلافت به سلطنت مطلقه و انتقال آن از خاور بباختر و بالعکس میپردازد و میگوید این کار مهم پس

از پایان یافتن عصر خلفای راشدین بازچه دست سیاستهای گوناگون و جنگهای خانمانسوزیکه نتیجه تعصبات ملل مختلف و دسته بندیهای خانوادگی بود قرار گرفت و پس از فتح مصر بدست سلطان سلیم ترکیه منتقل شد و از آنجا هم جزو شبحی که حکام و درویش آنرا وسیله اغراض شخصی قرار داده بودند باقی نمانده بود.

آتاترک در این سخنرانی مانند یکنفر مؤمن، مطاع و مورخ دقیق صبر مطالبی ایراد کرده که در هیچیک از کتابها بدان صراحت و ممانت استدلالی نظیر آن دیده نمیشود او هنگامیکه خلافت را ملغی کرد دستی بدین نزد بلکه آثار ک حکومت و خلافت موروثی را که چندین قرن مانده و از صورت اصلی خود منحرف گردیده بود از میان برداشت او میدانست ترکیه ضعیف این بار سنگین را نمیتواند بردارد و علاوه بر آنکه متضمن هیچگونه سود و صلاحی نیست نظر دول بیگانه را نیز بسوی خود جلب کرده و ترکیه بسبب آن مورد تهدید واقع گردیده است و صدماتی که ترکیه در قرون اخیر برای این مقام ظاهری اسمی متحمل شد کافی است.

آتاترک میدانست که ادله متین او هرگز ظاهر بینان را قانع نخواهد کرد و مانند هر مصالح دیگر عده کارهای او را بنظر بغض و غدر مینگرند ولی او اعتنائی بدین گروه نداشت و برای اثبات و تأیید نظریه خویش در اواخر زندگی تصمیم گرفت کتابی در شرح حال و سیره حضرت رسول (ص) تألیف نماید و با احاطه کافی و اطلاع وافق خود از منابع و مأخذ متعدد در تألیف خود از پیغمبر اسلام بنام یکنفر دلور، سردار، مجاهد، انقلابی، بیعت و تحقیق بردارد او از این کتاب چند فصلی هم نوشت که ممکنست در آتی منتشر شود ولی چیزیکه مهم بنظر میرسد اینست که او در میان تمام رجال نامی و مردان ترک دنیا پیغمبر اسلام را موضوع کتاب خود قرار داد و چون این کتاب یگانه تألیف این نابه

بزرگ می‌باشد می‌توانیم بنیروی ایمان و رسوخ او پی ببریم، او که چشم خود دیده بود بدعت‌های بیشماری درمیان مسلمانان رایج و شائع است و گوهر حقیقت و روح اسلام پوشیده شده است خواست اصول اسلامیت و رفتار یاران رسول را برای مسلمانان بیان کند و ب مردم بفهماند که اسلامیت تنها عبادت نیست بلکه عبادتست و جهاد و پیروزی و نزرگی و در راه میهن جانفشاندن،

او از زندگی حضرت رسول قسمتهای جنگی و شرح غزوات را برای این بر گزیده که ملت ضعیف خود را دوباره جان دهد تا از خمود و جمود بیرون آمده پایمال بیگانگان نگردند، او میگفت هر ملتی که زندگی بخوهد باید نیرومند باشد و این نیرومندی مطابق تعالیم اسلامی باید چنان باشد که در برابر بیگانگان بتواند پایداری کنند و وسائل دفاع را مانند وسائل مهاجمین در اختیار داشته باشند. راجع بعبادت و کار داستان معروف دو برادر را ایراد میکرد که یکی عابد بود و دیگری کارگر و ثابت شد که برادر کارگر بر برادر عابد خود که بیکاره است برتری دارد.

البته اگر آتاترک بانبوغ جنگی و سیاسی خود نبوغ دینی راهم می‌داشت درعالم اسلام مقامی دیگر بدست می‌آورد ولی همین اندازه کافی است که او مردی مسلمان خدا شناس راسخ اعتقاد بود و میل داشت جوهر و حقیقت اسلامیت را باقی گذارده اموری که بیخود بدین نسبت داده شده و مخالف روح اسلام است از میان برداشته شود و بهمین جهت دانشمندان واقعی اسلام را بی اندازه مراعات میکرد و مورد احترام قرار میداد.

نباید انتظار داشت او مردم را بزور برای ادای نماز بمساجد بفرستد زیرا این توقع بسیار بیجا و بی‌موقع است، مردم که پس از فرا گرفتن مقدمات دیانت و پی بردن بمحسنات نماز و آداب مذهبی خود این کار را انجام خواهند داد نیازمند براهمائی نیستند ولی ملت که رو بضعف و انحطاط نهاد و راه فنا